دغه رنگ مو تاسي غوره امت گرځولي یاست چې پر خلکو گواهان اوسئ

اونیزه شهادت

د حزب اسلامي افغانستان نشراتي ارگان

شماره فوق العادهٔ هفته نامهٔ شهادت به مناسبت شهادت دردناک پروفیسور استاد برهان الدین ربانی رئیس شورای عالی صلح

درس قرآن

بې له شکه چې له الله نه ډارېدونکي خلک به په باغونو او چینو کې وي. د خپل رب ورکړي نعمتونه به په خوښی سره اخلي ځکه چې دوی له دېنه په مخ کې ژوند کې نیکوکاران وو. د شپې به ډېره لږه برخه کې ویده کېدل او د شپې په آخرنی برخه کې بې بخښنه غوښتله په مالونو کې یې د سوالگرو او بې وسو برخه مالومه وه. (الذاریات ۱۳ – ۱۹ آیتونه)

شهادت دریم کال، ۲۷ مه گڼه، پرله پسې ۱۲۷ مه گڼه یکشنبه ۱۳۹۰ هـ ل د تله ۳ مه د۱۴۳۲ هـ ق د شوال ۲۷ مه د۲۰۱۱ م د سپتمبر ۲۵ مه

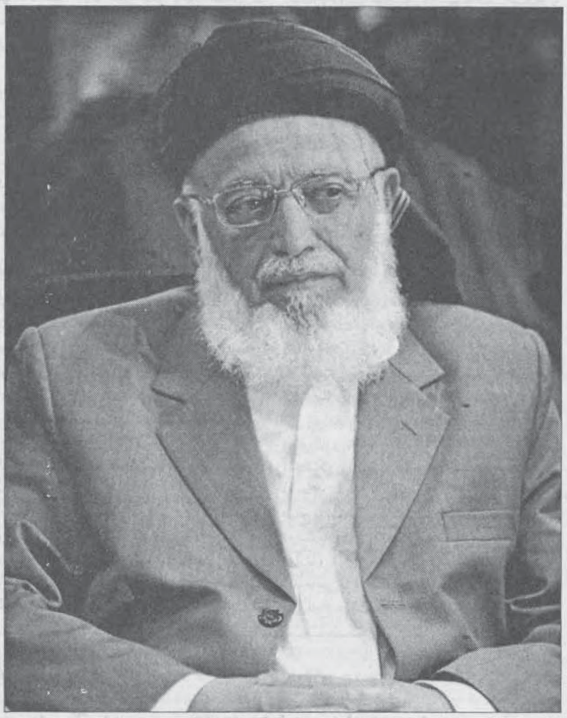

پیام تسلیت عبدالهادی ارغندیوال رئیس حزب اسلامی افغانستان

به مناسبت شهادت پروفیسور استاد برهان الدین ربانی

PROPERTY OF ACKU

(انا لله وانا الیه راجعون)

دریغا و حسرتا که یکبار دیگر یکی از درخشنده ترین ستاره نهضت اسلامی از آسمان کشور ما افول کرد و بواسطه کوردلان سیاه اندیش که به عنوان قاصد صلح آمده بود به شهادت رسید.

(روحش شاد و راه اش مستدام باد)

استاد ربانی برادر مجاهد، رهبر نستوه، استاد دانشمند، مرد ثبات، استقامت و پایداری و مصلح امین در حالی هدف معاندین اسلام و صلح قرار میکرد که با زحمات شبا روزی اش امید به صلح را بیشتر و حلقات مخالف را به صلح باورمند کرده میرفت.

دشمنان عقیده و وطن ما که هرگز نمیخواهند افغانستان مأمن آزادگان در رفاه و صلح باشد و جنگ و تداوم آنرا در افغانستان هدف قرار داده اند شعله های جنگ را فروزان ساخته و مسلمانان را در کوره های آن میسوزانند پس بایست با صلح و صلح خواهان مخالفت کنند و رئیس عالی شوری صلح را به شهادت برسانند با تصور آنکه دیگر صلح در افغانستان ختم و جنگ دوامدار خواهد گشت و اهداف پلید و شیطانی آن ها برآورده شود ولی سنت الهی در جهت دیگر است إن شاء الله خون پاک شهدای ما و بخصوص شهید صلح، صلح دایمی را در میهن ما ببار خواهد آورد و فتنه ها و توطئه افشا، ملت متحد و یکپارچه خواهد گشت که همایش جنازه استاد شهید و عکس العمل های ملی و جهانی مبین آنست، استاد شهید شد و جسد مطهر اش بخاک سپرده شد اما اندیشه های استاد راه استاد و خواسته های استاد در جمع یاران و پیروان اش و در جامعه افغانستان زنده و پایدار باقی خواهد بود از همان جا بود که در شهادت استاد چشم های همه مجاهدین اشکبار و قلب هایشان خونبار گردید ...

بقیه در صفحه ۴

غلام مصطفی جواد مشاور ریاست جمهوری؛

خلایی که از شهادت پروفیسور برهان الدین ربانی بوجود آمده، بزودی پُر نخواهد شد

در صفحه چهارم بخوانید

مولوی عطاؤ الله لودین د سولې د عالي شوری مرستیال؛

د مجاهدینو ترمنځ یووالې، او آزاد، مستقل اسلامي افغانستان د شهید استاذ له مهمو آرزوگانو څخه و

شهید استاذ په افغانستان کې د سولې او ثبات د تامین لپاره نه ستړې کېدونکي هلې ځلې کولې.

دویم مخ

انجنیر محمد خان معاون حزب اسلامی افغانستان؛

آروزمندم شهادت استاد ربانی باعث نزدیک شدن و هم نوا شدن هر چه بیشتر و بهتر مجاهدین گردد

اگر مخالفین از کوشش های استاد گرامی درین راستا، استفاده میکردند تاحال شاهد پیشرفتهای خوبی در زمینه صلح میبودیم.

صفحه دوم

شهادت مظلومانهٔ استاد برهان الدین ربانی

فدا محمد فایض

روز سه شنبه ۲۹ سنبلهٔ ۱۳۹۰ نزدیک شامگاهان خبر دلخراش و جگر خراش شهادت استاد برهان الدین ربانی یکی از رهبران نهضت اسلامی کشور رئیس جمهور پیشین افغانستان، رئیس شورای عالی صلح و رهبر جمعیت اسلامی افغانستان، کشور را بر سوگ همگانی نشاند.

استاد ربانی یک انسان بود و مسلماً از سهو، اشتباه و خطا خالی نبود، او حتماً در زندگی خود در مواقع مختلف به ارتباط موقفگیریهای خود مؤیدین و مخالفینی داشته است که هیچکدام ما از سهو، اشتباه و گناه مصون نیستیم؛ ولی شخصیت استاد شهید را باید در پیچ و خم زندگی مبارزاتی، جهادی و سیاسی او مطالعه کرد. استاد در زمان دعوت وظیفهٔ دعوت را انجام داد، در زمان مبارزه، مبارزه کرد، در زمان جهاد مسلحانه کمر بجهاد مسلحانه بست و در زمان فراخوانی به صلح وظیفهٔ یک منادی صلح را انجام داد.

ما آن لحظات را فراموش نمیکنیم که پولیس مخفی و به اصطلاح امنیت ملی رژیم مستبد داوود خان که سراپا در دست ایادی مسکو قرار داشت، تصمیم به گرفتاری استاد گرفت؛ ولی او به همکاری شاگردان رشید و مبارزه خود که لطف و مرحمت خداوند هم در قدم اول شامل حالش بود از چنگ پولیس نجات یافت و راهی دیار هجرت به پشاور گردید تا آنجا با دیگر همسنگران و همفکران خود یکجا شده برای نجات کشور از وضع پیش آمده تصمیم بگیرند.

استاد ربانی شهید مرد دور اندیش بود، من در یک مصاحبهٔ جنرال نصیرالله بابر که از زمان هجرت رهبران جهادی مانند استاد شهید، انجنیر حکمتیار، محترم قاضی محمد امین وقاد، محترم مولوی محمد یونس خالص مرحوم و دیگر برادران بزرگ نهضت به پاکستان در قضیهٔ افغانستان خیلی دخیل بود و آن وقت گورنر (والی) ایالت سرحد (اکنون خیبر - پشتونخوا) بود، خوانده بودم که استاد ربانی را هوشیارترین همه توصیف نموده بود. استاد حتی در زمان داوود خان هم طرفدار دست زدن به عملیات مسلحانه نبود؛ اما برعکس استاد ربانی باوجود حلم و نرمشی که داشت مرد بسیار دلاور بود. او در دوران جهاد مسلحانه علیه روسها...

بقیه در صفحه سوم

امنیت ملی:

حمله بر استاد ربانی از سوی شورای کویته انجام شده است

کابل، رسانه ها:

مقامات ریاست امنیت ملی افغانستان میگویند، شورای کویته پاکستان در حمله بر برهان الدین ربانی رییس شورای عالی صلح افغانستان دست دارد.

شفیق الله طاهری یک مسوول دفتر مطبوعاتی ریاست امنیت ملی پس از سپری شدن دو روز از حمله بر رییس شورای صلح به روز پنج شنبه در نشست خبری در کابل گفت،

بقیه در صفحه ۴

د لوی او مهربان خدای په سپېڅلي نامه

داکتر محمد انور

به رقیبان نرسد آفت و یاران رفتند
رسم دنیاست که گل میرود و خار بجاست

دهه دیموکراسی سالهای پر از آشوب در تاریخ سیاسی کشور ما شمرده می شود. درین سالها که زنجیرهای دیکتاتوری خانواده سلطنتی و ده ساله صدارت محمد داؤد بر جسد ناتوان هموطنان مظلوم ما گرانی می کرد و باید با تبعیت از وضع جامعه جهانی و فشارهای بین المللی از یکطرف و وجود اختلافات در داخل خانواده شاهی از جانب دیگر از گردن ملت ما سبک تر می شد. باز هم آزادی های ارمغان شده در قانون اساسی شکار رقابت جناح های مختلف سیاسی (که باز هم سرنخ در داخل ارگ بود) و حرص آزمندان قدرت آنها گردید.

این جناح ها بخاطر رسیدن به قدرت، حفظ قدرت و اضافه خواهی در سلطه جویی به کشورهای بیرونی در رابطه بودند. از جمله آنهائیکه به دو همسایه قدرتمند، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و رهبر کمونیست انقلاب چین (مائوتسی تونگ) مرتبط بودند. در داخل کشور ما با بالهای باز و شتاب زاید الوصفی در پرواز بودند.

در حالیکه خانواده سلطنتی و مهره های شریک قدرت آنها در دفاع از دین و مقدسات، نوامیس ملی و حیثیت مستقل کشور ما برنامه ای نداشتند. بخاطر حفظ قدرت با عمال این دو همسایه بزرگ در معامله بسر می بردند، و دست اندرکاران نظام، مردم و جوانان خالی ذهن و بی معلومات وطن ما را با دست و پای بسته چون گوسفند قربانی نثار دعوت های جاهلانهٔ آنها می کردند. احزاب طرفدار شان با استفاده از همه وسایل تبلیغاتی که از سفارتخانه ها، مراکز فرهنگی و پروژه های احداث شده توسط آنها پخش می شد. در کنار امکانات مادی جوانان، ما را به بی راهه می کشانیدند. رژیم در دفاع از معتقدات و مقدسات مردم ما کوچکترین عکس العملی در برابر آنها نداشت و برای هرچه عمیق تر شدن نفوذ کمونیزم خاصتاً شوروی وقت در کشور مطابق با پروتوکول هائی که با آنها داشت، جوانان بی معلومات و خالی ذهن اردوی کشور را برای تحصیلات در رشته های نظامی به اتحاد شوروی می فرستاد تا در آنجا در پهلوی آموختن فلسفه منحط کمونیزم و وفاداری به پکت جهانی وارسا در فساد و فحشا تربیه عملی دیده دوباره به وطن برگشته و آماده فرصت باشد که چه وقت اربابان ماسکو برایشان قومانده انقلاب سوسیالیستی را صادر مینمایند. کودتای محمد داؤد و ضد محمد داؤد دو گواه انکار ناپذیر در تاریخ کشور ما از عملکرد تربیت یافتگان نظامی ماسکو می باشد.

در چنین فضائی که کشور ما از نظر فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کاملاً از جانب این عمال اشغال شده بود.

رادمردان دلیر و استقبال گران شهادت در کشور ما به این خطر جدی متوجه گردیده گویا کفن پوشیده در سنگر دفاع از دین، مقدسات و حیثیت مستقل وطن ما قرار گرفتند.

می خواهم درینجا مکث مختصری بر موقف دلیرانه استاد شهید برهان الدین ربانی و قهرمانان دیگری را با استقبال شهادت این بنیان مرصوص را تشکیل دادند داشته باشیم تا ذهن آنهائی روشن گردد که اکنون پس از بالغ بر چهل سال غرب را در فخر و غرور می نگرند. و نقشه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از جهان محو و دیگر نه مائوتسی تونگی وجود دارد و نه کمونیزم فاتح و پیشتاز جهان را تهدید می کند، فکر می کنند درآن روزها هم این مبارزه راه آسان و پر از نعمات مادی و معنوی بوده باشد. شهید استاد از کشوری برگشته بود که چند روز قبل از عودتش به وطن مالوفش رهبر بزرگ فکری نهضت اسلامی مصر به دستور فرعون مصر جمال عبدالناصر به دار آویخته شده بود. و هزاران تن از رهروان فدا کارش زندانهای مصر (تحت حمایه شوروی) را پرنموده و با شیوه های ناجوانمردانه زیر شکنجه و تعذیب به شهادت می رسیدند. جهان جهان کمونیزم و اقمار و مزدورانش بود. در کشور ما قدرتمندان سیاسی، احزاب و گروه ها رقیبانه برای راه یافتن به مزدوری ماسکو بر همدیگر سبقت می گرفتند و نظام فرسوده سلطنتی بخاطر بقای خود به آنها باج می داد در محیط دانشگاهی و تعلیمی ادای نماز پنجگانه، گرفتن روزه، حفظ هیأت اسلامی به خرافی بودن شخص تعبیر می شد و دوام بر آن مانند حمل آتشی بر سینه بود. و نظام سلطنتی چنانکه گفته آمد در خدمت عمال و اجیران اجنبی بود.

در همان روزها مبارزه مشترک شوروی و چین کمونیست برهبری مائوتسی تونگ امریکا را مجبور به فرار از ویتنام گردانیده بود. در حالیکه رژیم های دیکتاتوری شرق میانه مزدوران ماسکو در نقاب ناسیونالیزم عرب بودند، اروپای شرقی تا نیمی از برلین با حصاری فولادین در تصرف اتحاد شوروی قرار داشت. کمونیزم نه تنها توجه افریقا و امریکای لاتین را بخود جلب نموده بود که انگلستان، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، یونان و آلمان غرب هم از هجوم سوسیالیستها در امان نبود. همه روزه نظام سرمایه داری غرب و دست اندرکاران لیبرال آنها در برابر احزاب سوسیالیستی خورد و مغلوب می شدند.

در آن روزها جنگ زدن به اسلام کار هر جبون و امتیاز خواه نبوده بلکه به معنی تن دادن به یک جنگ تمام عیار در برابر سلطه جهانی کمونیزم در حال پیشروی شمرده می شد.

و این بزرگ مردانی چون استاد بزرگوار می خواست که با ایمان راسخ توکل به نصرت خداوندی، آمادگی به شهادت و قربانی در راه دین و عقیده، کفن پوشیده وارد صحنه کارزار شود نه تنها کشور خود و جهان اسلام که همهٔ جهان را که در آن لیبرالیزم غرب مانند پرندگان کوچک افسون شده مظلوم در انتظار بلعیدن افعی بودند. از اسیر شدن در پای این اژدهای مهیب نجات دهند.

کودتای ۲۶ سرطان از طرف تربیت یافتگان ماسکو برای سرکوبی همین قهرمانان به راه افتاد. و نابخردان عمال ماسکو محصل صنف سوم پوهنځی پولی تخنیک (شهید انجنیر حبیب الرحمن) را بی شرمانه به جرم براه انداختن کودتای نظامی به رگبار بستند.

فراز و نشیب ناعاقبت اندیشانه در سیاست محمد داؤد در برابر ماسکو، موجبات سقوط نظام او و قتل عام خودش و اعضای فامیلش گردید. و قدم دوم شوروی آغاز حکومت حزب دیموکراتیک خلق و اشغال کشور ما بود.

بقیه در صفحه چهارم

انجنیر محمد خان معاون حزب اسلامی افغانستان؛

آروزمندم شهادت استاد ربانی باعث نزدیک شدن و هم نوا شدن هر چه بیشتر و بهتر مجاهدین گردد

مصاحبه مختصر با محترم انجنیر محمد خان معاون حزب اسلامی افغانستان در رابطه با شهادت محترم پروفیسور استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان

۱- با محترم استاد شهید پروفیسور برهان الدین ربانی از چه وقت شناخت داشتید؟

ج: بسم الله الرحمن الرحیم، با ابراز سپاس از شما که برایم موقع دادید، تا به ارتباط شخصیت شهید استاد برهان الدین ربانی عرایضی داشته باشم. قبل از اینکه به جواب سوال شما بپردازم تأثرات عمیق خود را با ابراز تسلیت ازین فاجعه آسف ناک که منتج به شهادت شخصیت بزرگ جهادی و فرهنگی رهبر جهاد و مقاومت و چهره شناخته شده تاریخ معاصر افغانستان، رئیس جمهور سابقه افغانستان و رئیس شورای عالی صلح، گردید به خانواده مجاهدین، رهبری و اعضای جمعیت اسلامی و فامیل شریف استاد گرامی عرض نمایم.

به ارتباط سوال شما باید گفت که همه کسانیکه با اوایل نهضت اسلامی افغانستان علاقه داشته باشند استاد ربانی را به حیث یکی از رهبران تحریک اسلامی در افغانستان می شناسند، من هم با استاد گرامی از اواخر دههٔ چهارم این صدهٔ هجری شمسی شناخت و تعارف دارم.

۲- نقش استاد شهید را در جریان جهاد و موقعیت شانرا در میان رهبران جهادی کشور چگونه ارزیابی می کنید؟

ج: رهبران جهادی افغانستان هر کدام ممیزات خاص خود را داشتند، استاد گرامی در جنب آنکه یکی از تنظیم های قوی جهادی را رهبری می کرد، علم و حلم از ممیزات خاص خودش بود، همچنان در بین سایر رهبران جهاد و تنظیم های مربوطه شان از محبوبیت خوبی برخوردار بود.

۳- استاد اخیراً ریاست شورای عالی صلح را به عهده داشت، تلاش های شانرا برای رسیدن به صلح چگونه یافته اید؟

ج: پروفیسور استاد ربانی از زمانیکه به حیث رئیس شورای عالی صلح برگزیده شد با آنکه بعضی از همسنگران سابقه اش فعالیت های صلح دولت افغانستان را دایماً از یک زاویه منتقدانه تحلیل و ارزیابی می کرد، اما شخص استاد درین راستا به ولایات مختلف کشور و به کشورهای مختلف سفرهای کاری داشته با شوق فراوان و خستگی ناپذیر در امر اعاده صلح کوشا بود، به یقین میتوان گفت که اگر مخالفین ازین کوشش ها و اخلاص شورای عالی صلح و اگر مخالفین از کوشش تلاش های استاد گرامی درین راستا، استفاده می کردند و پیشنهادات و وصایای شانرا با مرمی و باروت جواب نمی گفتند تا حال شاهد پیشرفت های خوبی در زمینه می بودیم.

۴- تا آنجا که از حلقات ماحول شوری عالی صلح شنیده شده است استاد شهید مخلص ترین و مؤثرترین فرد برای دست یافتن به صلح بودند. اکنون غیاب شانرا از فضای تلاش های صلح در کشور ما چگونه می یابید؟

ج: شهادت استاد محترم نه تنها در کارهای شورای عالی صلح، بلکه در صفوف خانواده بزرگ مجاهدین، در امور سیاسی کشور و در امور اجتماعی یک خلای جبران ناپذیر را به جا گذاشته است، مگر این هم یک امر انکار ناپذیر است که قطرات خون شهدا عامل قوی استحکام و فشرده ساختن صفوف هم سنگران شهدا می گردد، آروزمندم شهادت استاد ربانی باعث نزدیک شدن و هم نوا شدن هر چه بیشتر و بهتر مجاهدین، بازنگری قوی شورای عالی صلح و دولت افغانستان در شیوه کار صلح و تفکیک دوست و دشمن و انگیزه یافتن جدی ارگانهای زمینی برای دفاع از کشور عزیز ما افغانستان گردد.

۵- در حالیکه مخالفین مسلح دولت شخصیتی را که با اخلاصمندی برای برگردانیدن آنها به آغوش وطن در تلاش بوده اینگونه جواب داده اند، آینده پروسه صلح را در کشور چگونه پیشبینی می نمائید؟

ج: از همان آوانیکه دولت افغانستان و در راس آن جلالت مآب حامد کرزی صدای صلح را با مخالفین بلند نموده تا الحال، هر پیشنهاد، صدا و دعوت اراکین دولت و شورای عالی صلح با مرمی، انفجار و انتحار جواب گردیده است. درین حالت هر چه پیش برویم و هر اندازه هم انتظار کشیده شود، به صلح دست نخواهیم یافت، پس بهتر است دروازه تفاهم، ملاقات و دید و بازدید با هر آنکه به صلح عقیده دارد و می خواهد با هر نوع شرایطیکه دارد ولی به دیالوگ و تفاهم حاضر است، باز باشد. ولی از آنجائیکه رسیدن به صلح به تمایل و توافق دوجانبه نیاز دارد پس اگر مخالفین دولت میل به صلح نداشته باشد، میلان و خواست یک طرفه دولت به جای نخواهد رسید، بطور خلاصه اگر دولت و شورای عالی صلح در شیوه کار خود و دیلوماسی با همسایگان تغیرات عمیق و جدی نه بیاورند، رسیدن به صلح محال می نماید.

مولوی عطاؤ الله لودین د سولې د عالي شورى مرستیال؛

د مجاهدینو ترمنځ یووالي، او آزاد، مستقل اسلامي افغانستان د شهید استاذ له مهمو آرزوګانو څخه و

یادداشت:

مصاحبه مختصر هفته نامه شهادت با محترم مولوی عطاؤالله لودین معاون شورای عالی صلح در رابطه با شهادت محترم پروفیسور برهان الدین ربانی رئیس شورای عالی صلح

۱- با محترم استاد شهید پروفیسور برهان الدین ربانی از چه وقت معرفت حاصل نموده اید؟

ج: له شهید استاذ ربانی صاحب سره چې د هېواد مشهور علمي او فرهنګي شخصیت و د ۱۳۵۰ هـ ل کال راپدې خوا بلد وم چې مونږ د متوسطې دورې متعلمین وو، ددوی مضامین مو په پیام حق مجله او نورو اخبارونو کې لوستل او استفاده مو ورڅخه کوله بیا د ۱۳۵۷ د ثور د کودتا څخه وروسته چې عملي جبهات تأسیس شول او جهاد شروع شو بیا مو ددوی د علمي، سیاسي او جهادي شخصیت په رابطه معرفت نور هم زیات شو او د مقدس جهاد په دوران کې مو ورسره زیاتی لیدنې، کتنې ترسره شوې ددې ملاقاتونو او معرفت په اوږدو کې مو استاذ د یو حلیم، نرم، باتدبیره علمي سیاسي جهادي شخصیت په حیث ډېر په ښه توګه وپیژانده. هغه د خپل کامیاب سیاست په جریان کې جمعیت اسلامي او ددې تنظیم اعضاوو ته ښه وده او وجاهت ورکړ چې نن د افغانستان په هره اداره کې ددې تنظیم مهم شخصیتونه باصلاحیته حضور لري.

۲- نقش استاد شهید را در جریان جهاد و موقعیت شانرا در میان رهبران جهادی کشور چگونه ارزیابی می کنید؟

ج: د جهاد په دوران کې د استاذ موقف د جهادي رهبرانو په منځ کې د چا نه کم نه و په تدبیر او حوصله یې تصامیم نیول عجول او وارخطا شخص نه و د مجاهدینو ترمنځ د یووالي آرزومند و. په افغانستان کې د مجاهدینو د برى په هیله یې هرزګه قربانی ورکولې او آزاد مستقل اسلامي افغانستان یې د مهمو آرزوګانو څخه وو.

۳- جناب شما که در شورای عالی صلح معاونیت استاد شهید را بعهده داشته اید، تلاش های استاد را در راه دستیابی به صلح چگونه یافته اید؟

ج: شهید استاذ په افغانستان کې د سولې او ثبات د تأمین لپاره نه ستړي کېدونکي هلې خلې کولې، خطرناکو او ناامنو ولایاتو ته یې سفرونه وکړل د خوف او وېرې آثار پکې نه لیدل کېده. لویه داعیه یې د صلحې او ملي وحدت تأمین او د مجاهدینو د نظام حاکمیت و، په صلحه باورمند و او دا کار یې د اجر او ثواب په خاطر کولو، زه د شهید استاذ د همکار په حیث د نوموړی د اخلاصمندانه هلو ځلو په رابطه چې د صلحې د تأمین لپاره یې کولې تمجید او قدرداني کوم او د حسناتو په تله کې ورته حسابیده غواړم.

۴- غیاب استاد شهید را از فضای آوردن صلح در کشور ما چگونه ارزیابی میکنید؟

ج:د شهید استاذ نه موجودیت د صلحې په عالي شوری کې ددې شوری لپاره لویه ضایعه بولم په ډېر مشکل سره مو په داسې مواصفاتو موصوف شخص ددې پروسې د پرمختګ لپاره پیدا کړی و استاذ ډېر اجتماعي، علمي او په استدلال ولاړ قوي موقف درلود چې د لسو میاشتو هلو ځلو او دعوت په نتیجه کې د خلکو ذهنیتونه د صلحی د تأمین په رابطه یقیناً روښانه کړل.

۵- در حالیکه مخالفین مسلح دولت شخصیتی را که با اخلاصمندی برای برگردانیدن آنها به آغوش وطن در تلاش بوده اینگونه جواب داده اند، آینده پروسه صلح را در کشور چگونه پیشبینی می نمائید؟

ج: د دولت مخالفینو د شهید استاذ سره د ټولو موازینو خلاف ظالمانه عمل اجراء کړ په داسې حال کې چې ده ورته د یو قدرمن میلمه په حیث خپله غېږه خلاصه کړه او هغه دې مظلوم شهید کړ ددې قربانیو په نتیجه کې شهید استاذ د صلحې د شهید نوم وګاټه مونږ ورته له الله تعالی څخه د جنت الفردوس غوښتنه کوو، روح دې ښاد او یاد دې تازه وي.

د صلحې د پروسې آینده او دوام به د مشکلاتو خالی نه وي. خو بیا هم د شهید استاذ د ارمان په حیث او د ملت د غوښتنې په اساس به دا پروسه دوام پیدا کوي ځکه چې د مصالحې د خبرو ترک د جنګ د دوام په معنی دی.

د افغانستان مظلوم او فقیر ملت چه د ۳۳ کالو راپدې خوا د جنګ په اور کې سوزي نور ددې ناورین د دوام حوصله نلري. نو په طبیعی توګه به د تاکتیک په تغیر سره د صلحې دا پروسه به په قوت سره دوام کوي یو مناسب او په سوله باورمند رئیس به د سولې د شورى لپاره تعنېږي.

پر ذیدخلو جهتونو به فشار اچول کېږي چې د سولې او مذاکرې لپاره پوره مطمئنه زمینه سازي وکړي چې بیا لپاره داسې حوادث تکرار نشي او مثبته نتیجه وربادنې مرتب شي، پدې برخه کې به د صلحی عالي شوری عمومي مجمع تفصیلي بحث کوي. چې هېوادوال به له دې جریانه پوره خبر ېږي او هم به د هېوادوالو مشورو او نظریاتو ته ځای ورکول کېږي حوادث که درانه هم وي د صلحې او مذاکراتو خنډ به نه واقع کېږي په افغانستان کې د سرتاسري صلحی په هیله.

شهادت مظلومانهٔ استاد برهان الدین ربانی

(بقیه از صفحه اول)

... مانند انجنیر حکمتیار و مولوی خالص مرحوم اکثر و بیشتر خود به جبهات جهاد مسلحانه میرفت و از سنگرهای داغ جهاد دیدن میکرد و باعث اطمینان مجاهدین میگردید.

استاد ربانی شهید چون یک دانشمند و شخصیت اکادمیک بود، بناءً تنها به بعد نظامی جهاد توجه نداشت بلکه او برای فردا نیز پیشبینی داشت، از همین جهت او اولین رهبری بود که در محیط هجرت دست به ساختن یک پوهنتون حربی زد و خیلی از مجاهدین از آن پوهنتون فارغ گردیدند؛ پسانها شاید رهبران دیگر به طبعیت از استاد ربانی شهید دست به ساختن پوهنتونها زدند. چون استاد ربانی شهید خود یک استاد پوهنتون بود بیشتر استادان پوهنتونی که راه هجرت در پیش میگرفتند به نزد او مراجعه میکردند و او هم یک دفتر مشورتی در اسلام آباد ساخته بود و بیشتر این استادان در آن عضویت داشتند و اکثر شان آثار گرانبهایی نوشتند و در مواقع لازم به استاد شهید مشوره میدادند.

استاد ربانی شهید بعد فرهنگی جهاد را هم خیلی با ارزش میخواند و نویسندگان خوبی در کمیتهٔ فرهنگی جمعیت اسلامی افغانستان تجمع کرده بودند. زمانی که جهاد به پیروزی رسید و استاد به کابل میآمد، موترهای مربوط به کمیتهٔ فرهنگی را بالای اعضای نویسندهٔ این کمیته تقسیم نمود. خاطره یی به یادم هست، زمانی که بنده در شاروالی کابل بحیث معین ملکیتها کار میکردم (۷۵–۱۳۷۴)، روزی استاد در حدود سی و یا سی و پنج نفر از افراد نهضتی را غرض مشوره یی به ارگ فرا خواندند، در ضمن گفتگو از من در مورد یکی از فرهنگیان محترم جهاد پرسید؛ ولی من با گلایه جواب دادم که افراد فرهنگی هیچگاه مورد تفقد رهبران جهادی قرار نمیگیرند، در حالی که پاک ترین مبارزه و جهاد را همین افراد کردند، چون بجز یک قلم و چند ورق کاغذ که باید بخاطر جهاد می نوشتند، دیگر هیچ چیزی را در اختیار نداشتند، استاد با این حرفم متأثر گشته مرا مخاطب قرار داده گفت: نمرات رهایشی در اختیار خودت هست لست تمام برادران فرهنگی را بدون امتیاز تنظیمی ترتیب کن و برای هر کدام شان یک یک نمره زمین توزیع کن و بعداً مرا در جریان قرار بده تا پول ساختمان آنرا من با ایشان کمک کنم، من فرمایش استاد شهید را درنظر گرفتم و به رئیس مهندسی و پلانسازی وظیفه دادم تا در یک پروژه در حدود دونیم تا سه صد نمره را مشخص نموده لست آنرا بمن بسپارد. او با علاقه مندی به این کار اقدام نمود؛ ولی متأسفانه قبل ازین که به این هدف برسیم، طالبان به کابل آمدند و همهٔ آرزوها برباد رفت. زمانی که بعد از سقوط طالبان استاد به کابل برگشت و کنفرانس بن هم گذشت و استاد قدرت را به آقای حامد کرزی تحویل داده بود، غرض ملاقات با ایشان همراه با استاد سید عنایت الله شاداب به خانهٔ استاد، همین خانه یی که استاد در آن به شهادت رسیدند رفتم و قبل از همهٔ مراجعین مرا فراخواند و تا در ورودی دروازه آمده مرا در آغوش گرفت و مورد شفقت قرار داد. وقتی پرسیدم که بعد ازین چه برنامه یی دارد، موصوف به فعالیتهای فرهنگی و سیاسی ترکیز نمود.

استاد ربانی شهید در تاریخ و فلسفه سیاسی اسلام مطالعهٔ عمیق داشت، زمانی که او در سال ۱۳۷۵ با آمدن طالبان، کابل را بقصد شمال کشور ترک میگفت یک کتابخانهٔ غنی از او در خانه اش بجا ماند و شاید مورد دستبرد طالبان قرار گرفته باشد.

او از اسلام یک برداشت و تصویر روشنی داشت، سخنرانیهای اخیری هم که او در ده روز اخیر حیاتش در محفل گرامیداشت از هفتهٔ شهید در کابل و بعداً در یک کنفرانس در تهران ایراد نمود، مبین عمق فهم و برداشت او از اسلام بود. و در تهران علمای جهان اسلام را مخاطب قرار داده از آنها خواست، تا در مورد حملات انتحاری فتوا بدهند که آیا در اسلام گنجایش آن موجود است یا نه. استاد در یک مجلس دیگر از علمای افغانستان خواست، نگذارند تا مرجعیت را که به علما اختصاص دارد، دیگران در دست بگیرند.

استاد شهید سالخورده شده بود و طبیعی است که آن قوت جوانی در وجود او باقی نمانده بود؛ هم بیمار بود و هم نیم قرن از عمر با ارزش خود را در راه دعوت، مبارزه و جهاد سپری نموده بود ولی با آن هم آرام نشستن را نه می پسندید و برای نجات کشور از بحران حاکم تلاش میکرد. شاید استاد تلاش میکرد یک سلسله اشتباهات سیاسیی را که طبیعی است از هر کدام ما چنین اشتباهاتی سرمیزند و متأسفانه هیچ رهبر جهادی ما از آن مصون نمانده است، تلافی کند، بناءً در پایان عمر مسؤولیت شورای عالی صلح را بر دوش گرفت. صلح در هر زمان ضرورت جامعهٔ بشری است و بخصوص ملت ما که تقریباً سه و نیم دهه صعوبتهای یک بحران پیدا ناکنار را می کشد، بیش از همه به صلح نیاز دارد، صلح در کشور ما به یک عنقا مبدل شده است که نامی از آن را می شنویم ولی خودش را نمی بینیم. ما کم و بیش دو ملیون شهید در دوران حاکمیت کمونستها و حضور نظامی روسها دادیم و اینک امریکا و ناتو بخاطر اهداف بسیار وسیع استعماری خود در منطقه، کشور ما را به اشغال کشیده اند و باید بخاطر نجات کشور ازین اشغال خیلی عاملانه و بالغانه تلاش شود، استاد شهید در یک سخنرانی خود که بتاریخ ۳۱/۶/۱۳۹۰ بصورت تکرر از تلویزیون ملی نشر شد با صراحت تمام مخالفین مسلح دولت را مخاطب قرار داده گفت که ما با خارجیها صلح نمیکنیم، بلکه ما مسلمانها در بین خود صلح میکنیم و در بین خود به صلح نیاز داریم، تا دست به دست هم داده بخاطر اخراج این نیروهای بیرونی راهی را بسنجیم؛ اما متأسفانه او به این آرزوی خود نرسید و جواب دعوت او را با یک حمله انتحاری که باعث شهادتش شد، دادند، جمله یی که در آخرین سخنرانی خود نیز از علمای جهان اسلام خواست تا درین رابطه رفع مسؤولیت کنند و در مورد حل و حرمت آن اذهان مسلمانان را روشن سازند.

استاد ربانی بتاریخ ۲۹/۶/۱۳۹۰ به بهانه رساندن یک پیام صلح به او، به تأیید حرف مارشال محمد قسیم فهیم معاون اول ریاست جمهوری بشکل مرموزی به شهادت رسانیده شد. گرچه پیش زمینه های شهید نمودن او ممکن ماهها قبل ریخته شده بود؛ ولی عملیه شهید نمودن او بصورت عملی برق آسا عمل شده چگونه شد که این قضیه که قاصدی از سوی شورای کویته بخاطر رساندن یک پیام صلح به شخص استاد ربانی به کابل آمده براساس کنفرانس خبری مؤرخ ۳۱/۶/۱۳۹۰ ریاست عمومی امنیت ملی حتی این اداره از آمدن قاصدی که قاتل ثابت شد، اطلاع نداشت و براساس اظهارات جناب مولوی صاحب عطاء الله لودین معاون شورای عالی صلح بتاریخ فوق در یک میز گرد با تلویزیون طلوع آنها نیز از آمدن چنین شخص و علی الظاهر با این پیامی اطلاع نداشتند و زمانی مطلع شدند که استاد شهید، شاهد شهادت را در آغوش گرفته بودند.

گرچه ریاست امنیت ملی، شورای کویته را در شهادت استاد ربانی شهید دخیل دانست و این اعلان را براساس اظهارات رحمت الله واحدیار عضو شورای عالی صلح که همراه با شخص قاتل و در همراهی با محمد معصوم ستانکزی رئیس دارالانشای شورای عالی صلح به نزد استاد رفته بود و خود هم در قسمت روی زخمهایی ازین حادثهٔ دلخراش برداشته بود، نمود، ولی با آن هم این حادثه مستلزم تحقیقات ژرف است.

اینکه استاد توسط چه کسی و چه مرجعی به شهادت رسانیده شد، ممکن جواب درست آنرا مقامات امنیتی کشور که درین رابطه تحقیقاتی انجام میدهند، بدهند و باید تنها به اظهارات واحدیار بسنده نکنند؛ ولی در کل میتوان گفت که یک قرائت خوارج گونه از اسلام دست بدست استخبارات منطقه و شاید هم استخبارات کشورهای بزرگ جهانی داد. طرح چنین یک توطیه را ریختند. شاید نمایندگان کشورهایی که در شهادت استاد، دست داشتند، حتی در مراسم تشییع جنازه او هم اشتراک کردند که به تعبیر شعری از خوشحال خان ختک:

هم مي ووژني پخپله هم په ما باندې ژړا کا
څه به يار دی، به يې مينه، وژل هسې، شيون هسې

شهادت استاد برهان الدین ربانی، مانند هر فرد مسلمان این کشور به حیث یکی از خادمان و رهروان جهاد مقدس و راه استقلال کشور مایهٔ تأثر فراوانم شد و این حادثه مرا به یاد نخستین شهدای نهضت اسلامی انداخت. به یادم هست که بنده با دوست و همصنفی عزیزم استاد محمد آصف شهید (برادرزادهٔ شهید عبدالهادی پدر) که خود یکی از اعضای بسیار مخلص نهضت اسلامی بود از پوهنځی ادبیات و علوم بشری پوهنتون کابل که ما محصل آن بودیم بسوی ریاست پوهنتون رفتیم و خبر شهادت مولوی حبیب الرحمن شهید، داکتر محمد عمر شهید و خواجه محفوظ شهید را که از پیشگامان نهضت اسلامی بودند و در زندان مخوف داوودی بسر میبردند و در روزنامه های دولتی بچاپ رسیده بود، خواندیم و خموشانه اشک ریختیم.

شهادت استاد دانشمند پروفیسور برهان الدین ربانی زنگ خطری است برای همهٔ مجاهدین و بخصوص رهبران و پیشآهنگان نهضت اسلامی؛ بدون امتیاز این تنظیم و آن تنظیم. من بحیث یک عضو کوچک نهضت اسلامی بهمه پیشنهاد میکنم، که به لحاظ خدا عمق توطیه را درک کنید، خط کشیهای تنظیمی، قومی و سمتی را کنار بگذارید، آنعده افراد و گروهها که در حیات استاد راه خود را از او جدا نموده و با تظاهر به دموکراسی گندیده غرب، در پی کسب امتیازات سیاسی بودند، در پی استفادهٔ نامشروع از شهادت استاد بزرگوار بنفع خود نباشند بلکه همهٔ بتهایی را که بر سر راه وحدت اسلامی ایستاد نموده اند بشکنند و همه در یک صف مبارزه و جهاد، کسب استقلال سیاسی و حاکمیت ملی کشور بایستند و در پی نجات کشور از توطیه های بزرگ منطقوی – جهانی باشند؛ زیرا دشمن خواه هر کسی باشد دشمن است و باید آنرا بچشم دشمن دید.

جای استاد شهید بهشت برین
یادش گرامی
و راهش پر رهرو باد

شهید شمع همیشه فروزان تاریخ است

اعزامی

بدون شک رهبری سالم جوامع به رهبران صالح و متقی نیاز دارد و در اثر مدیریت خداخواهانه و الهی رهبران است که نهضت ها اوج می گیرند و قیام ها به راه می افتند؛ نقش قیادت در گسترش داعیه دعوت و اشتعال نایرهٔ انقلاب به مثابهٔ ارزش جریان خون در شراین وجود انسان است. نهضت و انقلابی که از قیادت سالم و رهبری داهیانه برخوردار نباشد، سرانجام ستاره بختش در بیغوله های بی نام و نشان کرهٔ ارض افول میکند. باید بخاطر داشت که نقش رهبر و انقلاب نسبت به همدیگر تأثیرات متقابل دارد، اگر از یکسو رهبران انقلاب ها می آفرینند، انقلاب ها نیز به نوبهٔ خود در دامان خود رهبرها را می پرورانند، پس در یک کلام موجز باید گفت که انقلاب ها مرهون مساعی و ابتکار رهبران و رهبران پرورش یافتگان آغوش ربانی انقلاب ها اند.

شهادت در راه خدا و برای اعلای کلمة الله و پیروزی جهاد، آرمان رهبر است و چه زیباست خون آن رهبرانی که در محراب خونین جهاد و معرکه حیات بخش شهادت به زمین می ریزد، خونی که صدای قل قل ملکوتی اش، سرخی رنگش و درخشش نورانی اش تا ابد در جلو چشمان رهروان طریق، جلوه گری می نماید و چون طارقی بر تارک اعصار و قرون می کوبد؛ و چه زیباست آن کلمات مقدسی که در وصف خوبی های این ایثارگران حقیقی از زبان و قلم نثار این راه یافتگان جاوید می گردند و چه دلنشین است آن حرف های که در وصف و ترسیم این سیماهای جاویدان بر زبان رانده می شوند.

اگر چه بخاطر انعکاس درد و الم دوستان و بازگویی آه و افسوس علاقمندان، مطالب حسرتناکی در رثای شهادت برادران شهید نگاشته می شود، ولی باید بخاطر داشت که در قاموس اسلام، شهادت به مفهوم مرگ نیست و شهید کسی را گویند که در راه اعلای کلمة الله، جان شیرین خود را آگاهانه فدا می کند، شهدا به گواهی قرآن زنده اند و نزد خداوند رزاق روزی داده میشوند، شهادت مرگ نا به هنگام و غیر مترقبه نیست که دوستان و بستگانش بر بالین شهید بر سبیل تأثر فریاد بکشد و یا بر مزارش اشک بریزد، بلکه شهادت همان مرگی است که شهید در هنگام حیات خود آن را آگاهانه برگزیده و بخاطر وصال به آن تلاش ورزیده است. شهادت در معرکهٔ جهاد آرمان مؤمن است و شهدا کسانی اند که مورد انعام خداوند جل جلاله قرار گرفته اند.

آری ! شهید کسی است که پیغامش را با مذاب خون بر صفحه تاریخ نگاشته است، که جلا و تلالوء آن همیشه پیش چشم رهروان جلوه گری می نماید تا مبادا همسفران طریق، در نیمه راه به بی راهه روند و به اغوای شیطان نفس طریق دیگر گزینند.

شهید شمع همیشه فروزان تاریخ است و سرخی خونش مظهر قیام و انقلاب در برابر زورگویان و فرعونیان عصر، شهید ظاهراً خود را می میراند تا حیات دیگران را بیمه کند، شهید بر مال و منال دنیا پشت پا می زند تا طلسم ظلم و استبداد ستمگران، دنیا پرستان و مستکبران بر توده های مظلوم را درهم شکند، شهید با نثار خونش، شیوه آزاد زیستن و راه عزتمند شدن را به همنوعان می آموزد، زیرا شهادت کاری ترین حربه یی است برای واژگون کردن دژهای کفر و استبداد.

خون شهید اکسیر حیات بخشی است برای احیا و تحرک توده ها اسیر، غافل و مستمند و همچنان راه شهید گذرگاه بی خطری است برای عبور رهروان توحید و سعادت و بالاخره عزم شهید پلی است از دنیای دون به قصد وصول به امتداد جنات برین، آنجا که بندگان برگزیدهٔ خدا تمکین دارند؛ معهذا لزومی ندارد که به یاد شهیدی قلبی جرح گردد و چشمی اشک بریزد و یا همستگری حسرت بخورد و یا دوستی ضجه و فریاد سر دهد و یا ارادتمندی به ماتم بنشیند، یگانه حقی که از شهید برماست، به فرمودهٔ قرآن فقط همین است که چون سایر مصایب بایست در برابر دشواری ها و ناگواری ها صبر کنیم، چنان صبری که در هنگام استیلای مصیبت (شهادت یاران و ...) بخداوند بزرگ استرجاع نمائیم و عزم و اراده خویش را برای تعقیب راه و هدف او جزم نمائیم.

هر چند تعداد شهدای جهاد افغانستان از بدو انقلاب تا امروز، از رقم دو ملیون نفر می گذرد و ایجاب می کند که در وصف مناقب، حماسه ها و مجاهدت های هر یک از آنها کتابی نگاشته شود، مگر بر سبیل یادآوری و تذکر نام و راه آن عزیزان در این مقال مختصر، بر آن شدیم تا در پیشواز شهادت پروفیسور برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح حداقل یادی از مقام شهید و حماسه ها و مجاهدت های همیشه جاوید شهدای راه خدا (ج) داشته باشیم تا یاران طریق، یاد و خاطره آن استاد شهید و سایر شهدای راه خدا و آزادی را فراموش نکنند و در اوج ناز و نعمت و حلاوت کرسی و قدرت، حداقل شمه یی از صحنه های خون و شهادت و ایثار شهیدان را بخاطر بیاورند و گهگاهی با قبول زحمت سری به کلبه های محقر ورثهٔ آنها بزنند و مهمتر از همه به نیازمندی ها و مشکلات جانبازان معلول انقلاب که بحق گواهان زندهٔ میادین ایثار و شهامت اند، رسیدگی نمایند.

(روح شان شاد – یاد شان گرامی باد)

غلام مصطفی جواد مشاور ریاست جمهوری؛

خلایی که از شهادت پروفیسور برهان الدین ربانی بوجود آمده، بزودی پُر نخواهد شد

یادداشت:

پس از وقوع حادثه دلخراش شهادت جان گداز استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی و رئیس شورای عالی صلح، خبرنگار جریده شهادت، گفتگویی با محترم غلام مصطفی جواد یکی از پیشگامان نهضت اسلامی و مشاور ریاست جمهوری داشت که اینک متن آن غرض مطالعه خوانندگان تقدیم می شود.

س: با محترم پروفیسور برهان الدین ربانی از چه وقتی شناخت داشته اید؟

ج: با شهید استاد برهان الدین ربانی در سال ۱۳۵۲ زمانیکه محصل پوهنځی زراعت بودم ملاقات نموده و شناخت ماصل نمودم، بعد از آن در محیط هجرت که سال های طولانی را در بر گرفت با استاد شهید شناخت و تماس نزدیک داشتم در مجالس، شوری ها و بصورت انفرادی از صحبت ها و ملاقات استاد فیض برده ام.

س: نقش استاد شهید را در جریان جهاد چگونه ارزیابی می کنید و موقعیت شانرا به تناسب رهبران جهاد چگونه مقایسه می کنید؟

ج: شهید استاد ربانی شخصیت عالم بزرگوار و حلیم بود یکی از رهبران معروف و قابل قدر مجاهدین بود، جناب شان از جمله رهبران جهادی بود که همواره می کوشید با دیگران در صلح و سلم زندگی کند خواهان وحدت مجاهدین و مبارزه در صف واحد بود، استعداد و آماده گی، زندگی و مبارزه مشترک را با سایر تنظیم های جهادی داشت، کوشش می کرد که مجاهدین در یک جبهه وسیع علیه دشمن بجنگیدند صاحب صبر و تحمل بود روحیه انتقام جویی نداشت، بصورت قطعی طرفدار خشونت نبود. نه تنها برهبری جهاد مسلحانه توجه داشت بلکه می کوشید جوانان را به تعلیم تشویق نمایند برای خیلی از جوانان در سعودی و سایر کشورها زمینه تعلیم را مساعد ساخت که این دور اندیشی در سایر رهبران جهاد کمتر بود. به هرحال استاد صاحب شخصیت و اهمیت عالی، دارای شهرت خوب در عالم اسلام و محبوبیت در بین حلقات علمی و مردم عامه افغانستان بود. زحمات زیادی را در دوران هجرت رهبری جهاد و مقاومت برداشت و تحمل نمود در مصایب صبور بود خیلی به آرامش و حکمت کار را تعقیب مینمود، خصلت جدلی نداشت، تسلسل کارش را قطع نمیکرد. روحش شاد وجایش جنت فردوس.

س: استاد اخیراً ریاست شورای عالی صلح را به عهده داشت تلاش های شانرا برای دست یابی به صلح چگونه یافته بودید؟

ج: استاد شهید به حیث مناسبترین شخصیت به رهبری پروسه صلح انتخاب گردید و جناب شان در حالی که دشواری این ماموریت را به خوبی میدانست با بزرگواری قبول کرد. استاد مرحوم طبیعتاً شخص صلح جو بود چه در دوران هجرت همواره در آوردن اتحاد بین تنظیم های جهادی رول مثبت داشت و درین راستا کوشش های زیادی مینمود. در دورانی که رئیس جمهور کشور بود همیشه باورش بر صلح و وحدت بود کوشش های زیادی نمود که جنگ و خون ریزی پایان یابد و همه در چوکات یک نظام و حکومت با همدیگر جمع شوند در نتیجهٔ همین کوششهای مخلصانه شان بود که در جوزای ۱۳۷۵ محترم انجنیر حکمتیار از مخالفت دست برداشته و پست صدارت عظمی را در حکومت شان پذیرفتند، همچنان در آخر حکومتش که حرکت طالبان براه افتاده بود، بارها پیشکش صلح و آشتی نمود ولی متأسفانه که پذیرفته نشد، در دوران مقاومت که دشواری های زیادی بود باز هم موقفش بر صلح تکیه داشت، صلح می خواست و از جنگ نفرت داشت.

استاد شهید مناسبترین فردی با داشتن خصوصیت صلح جویانه، طبیعت آرام، توأم با صبر و علم بریاست شوری عالی صلح بود، جناب شان کار و تلاش خود را بسیار حکیمانه و مسلسل در یک دایره وسیع ملی و بین المللی آغاز کرد. در حالیکه مشکلات و عقبات زیاد در قبال آوردن صلح به کشور وجود داشت و کار سهل نبود، ولی استاد بة این امیدی که جنگ و برادر کشی در افغانستان پایان یابد و مردم افغانستان در فضای امن و صلح پهلوی هم زنده گی کنند، به حیث سفیر صلح کار را آغاز و به تلاش های خود ادامه میداد و تلاش خستگی ناپذیری را انجام میداد، اگر دشمنان صلح موقع میدادند و حیاتش باقی می بود، تلاش ها و مساعی اش حتماً در افغانستان منجر به صلح می گردید، میدانیم که جنگ و ویرانی در افغانستان ابعاد ملی و بین المللی دارد که آوردن صلح در همچو اوضاع و حالات بزودی و عجله ممکن نیست.

س: تا آنجا که حلقات ماحول شورای عالی صلح اظهار نظر نموده اند، استاد مخلص ترین و مؤثرترین فرد برای دست یافتن به صلح بودند اکنون غیابت شانرا از فضای صلح در کشور ما چگونه بررسی می کنید؟

ج: شهادت استاد و غیابت شان نه تنها بر روند صلح تاثیر منفی به جا می گذارد بلکه در مجموع بر اوضاع و حالات کشور ما اثر گذار است. در حال حاضر ما شخصیتی با این خصوصیت و توانایی نداریم که جای استاد شهید را پر کنند طبیعتاً روند صلح شاید بکندی و مشکل روبرو شود و مدتی در کار است تا پروسه صلح به روند عادی بر گردد که به آسانی میسر نیست ولی به هر حال صلح اصل دینی و ضرورت ملت است که از تعمیل آن ناگذیریم.

س: در حالیکه مخالفین مسلح دولت فردی را که با اخواهمندی برای بر گردانیدن آنها به آغوش وطن در تلاش بود، اینگونه جواب دادند، پس آیندهٔ صلح را در کشور ما چگونه پیش بینی می نمائید؟

ج: طوریکه در بالا گفته شد، شخصیت بزرگواری چون استاد ربانی که با دانستن تمام مشکلات، خطرات و دشواری ها کار می کرد و خود را وقف همین هدف مقدس کرد تا اینکه به همین صفای نیت از طرف دشمنان صلح این شخصیت عالیقدر جای خالی او بر روند صلح تأثیر خیلی ناگواری به جا گذاشت و این پروسه که تعقیبش مشکلات زیاد داشت بیشتر به مشکل مواجه خواهد شد ولی به هر صورت کشور ما به صلح ضرورت دارد، ادامه پروسه صلح ضرورت دینی ملی ملت افغانستان است و ناگزیر ادامه خواهد یافت. اینکه چطور و به چگونه به آن نایل شویم، منتظر تحولات بعدی باشیم، ولی آنچه که حکم است، خلای که از شهادت استاد به میان آمده بزودی و آسانی پر نه خواهد شد.

بقیهء سرمقاله ...

آنهائی که اظهارات جیمی کارتر رئیس جمهور وقت امریکا و برژنسکی مشاور امنیت ملی او را تعقیب نموده باشند دریافته اند که امریکا در برابر اشغال افغانستان از جانب قشون سرخ عکس العملی نداشته است. فقط آنها مراقب قدمهای بعدی شوروی به جانب ایران و پاکستان بوده اند.

اگر این بزرگ مردان شجاع و فداکار در صحنه جهاد و سیاست در سنگر، قلم و منطق در مطبوعات و نشرات در یک مقاومت همه جانبه حضور نمی داشتند. دیگر افغانستان ایالتی از جمهوریت های شوروی بود.

اما مردم ما به بی خردی کسانی با تمسخر می نگرند که با آگاهی از تاریخ دور و نزدیک و معاصر افغانستان باز هم در صدد به بند کشیدن و اسارت کشور ما باشند و ندانند که:

گمان مبر که به پایان رسید کار مغان
هزار باده ناخورده در بن تاک است

اگر آنها در افغانستان چاکران و حامیانی دارند کمونیزم جهانی هواخواهان وفادارتر از آنها به خود داشت.

آنها بدانند که خشم ملت ما چنانکه آن مزدوران پس از ارتداد از راه شان به زباله دان تاریخ ریخت. مزدوران دیگری هم همین سرنوشت را انتظار داشته باشند و مداخله گرانی که به امید همچو یاران زندگانی طبعی بر مردم ما را تلخ ساخته اند به امید فرارسیدن فردای تلخی باشند که به اتحاد شوروی به آن روبرو شد.

هر چند که اعتبار دعوت و دعوت گر به صلح را نظام آغشته و غرق در فساد مسلط بر کشور ما به هیچ یکسان ساخته است.

هم مخالفین نظام و هم تماشاگران بی دسترس و ناتوان این دعوت را یک بازی ناکام می پندارند. که معنی و محتوایی نداشته باشد. و این دعوت گران مظلوم چنان معلوم می شوند که در بدل امتیازاتی مردم را برای خاموشی و ترک مخالفت با نظامی خلع سلاح و شعار می نمایند که هر روز تسلط مافیای اقتصادی، مواد مخدر، آدم ربائی، جنایت و ترور و مافیای زمین گلوی عامه مردم را می فشارد.

اما استاد بزرگوار که از بمباردمان های کور بر مرد، زن و کودک ناراجت بود و ازینکه وطنش را با نثار خون یک و نیم ملیون شهید از تسلط ابرقدرتی نجات یافته بود اکنون بار دیگر میدان کشمکش اجانب میدید رنج می برد در کمال اخلاص در پی قطع جنگ و حضور و دوام مداخلات اجانب بود و درین راه روز و شب، گاه و بیگاه حضر و سفر را نمی شناخت بدون توجه به مشکلات داخلی نظام گام بر می داشت.

مایه نهایت تأسف است که جاهلانی ناآگاهانه از وضع اسف بار کشور ما و بدون توجه به عواقب ناگوار دوام این وضع دست لطف و مرحمت و آغوش عطوفت و دلسوزی او را دریده و وطن عزیز ما را از یک رهبر آگاه، سیاستمدار کار کشته، مجاهدی خستگی ناپذیر محروم ساخته. و به ادعاها و گمان هائی صحه گذاشتند که عدهٔ در کشور ما عاملان جنگ را مزدوران اجانب و جیره خواران ناعاقبت اندیش کشورهای خارجی می خوانند و مصالحه را راهی ناکام و بی نتیجه می دانند.

اما فرزندان راستین و آگاه کشور ما راهی را که استاد شهید در پیروی از پیامبر اعظم صلی الله علیه وسلم با صدق و اخلاص روان شده بودند. ((چنانکه نبی اکرم (ص) آزار مردم طائف و سنگ های اطفال آنها پاهای مبارک شان را خون آلود می کرد اما قلب پرعظمت شان ازهدایت آنها مأیوس نمی گشت)) راهی را برای رسیدن به صلح در کشور ما خواهند یافت تا آرمان استاد شهید در رسیدن به یک افغانستان، آزاد، آباد، مرفه در فضای صلح و صفا و برقراری نظام عدل اسلامی بسر رسیده باشد.

پیام تسلیت عبدالهادی ارغندیوال...

و شهادت او استقامت، یکدلی و انسجام و استحکام صفوف مسلمانان را إن شاء الله ببار خواهد آورد و دشمنان را در رسیدن به هدف اش نا امید خواهد گردانید.

پس برادرم، خواهرم، منسوبین نهضت اسلامی، مجاهدین و مسلمانان عزیز بیائید صفوف ما را فشرده سازیم راهی را که پر از نشیب و فراز است با یکدلی، اخلاص و برادری طی نمائیم در مسیر ما کمین گاه هاست و دشمنان قسم خورده ما در آن جا گرفته اند، میخواهند عقیده، ملک و جان ما را هدف قرار دهند که تنها حرکت کردن دشوار است و بی نتیجه. بناءً ما پیام اتحاد، برادری و اخوت را پیشکش همه مینمائیم.

من به نمایندگی از شورای رهبری و اجرائیه حزب اسلامی افغانستان شهادت برادر عزیز و گرانقدر استاد شهید پروفیسور استاد برهان الدین ربانی را به همه مسلمانان، اعضای نهضت، مجاهدین و خانواده عزیز استاد تسلیت عرض نموده، جایگاه شان را بهشت برین تمنا مینمایم و به بازماندگان اش صبر جمیل استدعا میدارم.

حمله بر استاد ربانی از سوی...

این حمله از سوی فردی بنام عصمت الله که از یکی از اعضا شورای کویته است صورت گرفته است.

به گفته آقای طاهری، در حمله بر استاد ربانی بر علاوه از شورای کویته ممکن بعضی دست های دیگر هم وجود داشته باشد:

"تحقیقات ما در این رابطه جریان دارد. آنچه که تا حال ما پیدا کردیم و از لابلای شواهد عینی این حادثه و واحدیار که از ابتدا در مورد در جریان بوده گفته است شخصی بنام حمید الله آخند از شورای کویته یعنی به این معنا که شورای کویته در این قضیه دخیل بوده است. ولی هنوز هم تحقیقات جریان دارد که دیگر کی ها دست داشته است."

برهان الدین ربانی رییس شورای عالی صلح شام شنبه گذشته در نتیجه حمله از سوی فردی که به عنوان نماینده طالبان آمده بود کشته شد.

عصمت الله شخصی که این حمله را انجام داد، توسط معصوم ستانکزی رییس دارالانشاء شورای صلح و رحمت الله واحدیار به خانه استاد ربانی راه یافته بود که در این حادثه معصوم ستانکزی و واحدیار نیز زخمی شده اند.

رحمت الله واحدیار که یکی از شاهدان عینی این حادثه بود با چهره افگارش در این نشست خبری حضور یافته و در صحبت با خبرنگاران جریان حادثه را چنین نقل کرد:

«وقتیکه در تعمیر بالا شدیم، دروازه را باز کردم او پیش بود من از پشت اش، استاد روبروی شیشه نشسته بود و ستانکزی در پهلویش بود، استاد به بسیار محبت ایستاد شد و آغوش خود را به او باز کرد و گفت خوش آمدید، مهمان رفت و استاد را در آغوش گرفت، در همین وقت یک صدا شد با شنیدن صدا من بیهوش شدم. وقتی که بیدار شدم دیدم که استاد و ستانکزی در اطاق نبودند و هر دوی آنها را از اطاق کشیده بودند.»

آقای واحدیار می گوید، فردی بنام حمیدالله اخند یکی از اعضا شورای کویته از چهار ماه به این طرف دو بار در سفری که به کابل داشت با استاد ربانی و معصوم ستانکزی گفتگو های جداگانه داشت. وی می افزاید، ملا حمید الله آخند که خودش را عضو شورای کویته معرفی کرده بود، چهار ماه پیش با آنها به تماس شده و گفته بود که پیام های در مورد صلح به این شورا دارد.

به گفتهء آقای واحدیار، حمید الله آخند حد اقل و شب را در مهمانخانهء شورای عالی صلح سپری کرده است. آقای واحدیار گفت، که این فرد دوباره به پاکستان بر گشت و به روز شنبه گذشته با وی تماس گرفته و گفته که پیام شان را به دست یکی از افراد ارسال می کند.

به گفتهء آقای واحدیار، چند روز پیش عصمت الله به او تیلیفونی تماس گرفته و گفته است که حمید الله آخند او را موظف ساخته تا پیام صلح را به شورای عالی صلح برساند. عصمت الله پیش از این که بر استاد برهان الدین حمله کند، سه روز در مهمان خانه شورای صلح بوده و شام روز چهارم خود را به خانه ربانی رسانده و انفجار داد.

به گفته آقای واحدیار این فرد از سوی محافظین خانه ربانی تلاشی هم شده بود اما با وجود آن هم مواد انفجاری را انتقال داده است و در زمان احوال پرسی با استاد ربانی خود را منفجر ساخته است. این چندین بار است که مخالفان دولت با استفاده از تاکتیک های مخصوص موفق می شوند تا مقامات کلیدی دولت افغانستان را مورد حمله قرار دهند.

ادارهٔ هفته نامهٔ شهادت از تاخیر در طبع و نشر این شماره بنابر تعطیل عمومی در مطابع معذرت می خواهد

دغه رنګ مو ناسي غوره امت ګرځولي یاست چې پر خلکو ګواهان اوسئ

شهادت اونیزه

د حزب اسلامي افغانستان نشراتي ارګان

خپرونکی اداره: د حزب اسلامي افغانستان فرهنګي خانګه
د امتیاز خاوند: حزب اسلامي افغانستان
مسؤول مدیر: عبدالله "کامه وال"
مرستیال مدیر: عبدالخلیل (محمد خلیل)

د اړیکو شمېرې:
دفتر: ۰۲۰۲۵۲۱۲۳۲
مسؤول مدیر: ۰۷۷۷۲۰۲۲۰۱
مرستیال مدیر: ۰۷۷۲۲۷۵۷۸۳

• د شهادت اونیزه د هر لیکوال او د نظر خاوند د لیکنو هرکلی کوي.
• د شهادت اونیزه حق لري چې د لیکوال لیکنه د ضرورت په وخت داسې اصلاح کړي چې د لیکنې اصل روح ته تاوان ونه رسي.
• رالیږل شوې مطالب نه مسترديږي. - یوازې سرلیکنه د شهادت د اونیزې رسمي نظر دی.

دیزاین: خواجه وحیدالله | آدرس: دحزب اسلامي افغانستان مرکزي دفتر سیلو ته مخامخ خوشحال خان مېنه، کابل - افغانستان | Email Add: shahadatnews_kabul@yahoo.com